

ORIGINAL ARTICLE

Criticism and pathology of Lorestan historiography in the second Pahlavi era (1357-1320)

Mojtaba Soltani Ahmadi^{1*}, Iraj Soori², Mostafa Gohari Fakhrabad³

¹Department of The History and Civilization of Islamic Nation, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

²History of Humanities and Cultural Studies Research Institute, Tehran, Iran.

³history of islamic culture and civilization, faculty of theology, Ferdowsi university of mashhad, mashhadT iran.

Correspondence

Mojtaba Soltani Ahmadi

Email: msoltani94@pnu.ac.ir

ABSTRACT

In the field of historiography of Lorestan in the second Pahlavi era, no research has been done to determine the subject areas and methodology. The purpose of this research is to study and analyze the remaining works about the history of Lorestan during the Pahlavi period (1357-1320) and to criticize the common writing styles of that time in terms of method and content. The general feature of existing historiography is the investigation of personalities, institutions and organizations, which mostly covers political history and less deals with social, economic, cultural and artistic history. Therefore, the scientific criticism and evaluation of these works is important for the purpose of the desired scientific productions and the promotion of researches in the field of local history of Lorestan. The findings indicate that three main types of historiography can be identified: character-oriented historiography or monograph, official historiography with the content of works and compositions (books), and oral historiography. In these works, people of Lorestan's social history, including the petitions of the people to the members of parliament, which are a good source in this regard, have been neglected. Another problem in the field of historiography of this period is the dispersion of data and information sources. The lack of an independent document database specific to the province has made difficult to access to sufficient data for scientific productions.

KEYWORDS

Lorestan, Second Pahlavi era, Historiography, Methodology, Pathology.

How to cite

Soltani Ahmadi, M., Soori, I., & Gohari Fakhrabad, M. (2023-2024). Introduction, critique and pathology of Lorestan historiography about Pahlavi II era (1357-1320). *Iran Local Histories*, 12(1), 111-124.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://chooser-beta.creativecommons.org/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

نقد و آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری لرستان در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)

مجتبی سلطانی احمدی^{۱*}، ایرج سوری^۲، مصطفی گوهری فخرآباد^۳

چکیده

در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری لرستان دوره‌ی پهلوی، تاکنون پژوهشی برای تعیین حوزه‌های موضوعی و روش‌شناسی صورت‌نپذیرفته است. هدف از این پژوهش بررسی و آسیب‌شناسی آثار به جا مانده درباره‌ی تاریخ لرستان دوره‌ی پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۷) و نقد سبک‌های نگارشی رایج آن زمان از جهت روش و محتوا است. ویژگی عمومی تاریخ‌نگاری موجود، بررسی شخصیت‌ها، نهادها و سازمان‌ها است که بیشتر تاریخ سیاسی را پوشش می‌دهد و کمتر به تاریخ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری می‌پردازد. لذا نقد و ارزیابی علمی این آثار به منظور تولیدات علمی مطلوب و ارتقا پژوهش‌های حوزه‌ی تاریخ محلی لرستان حایز اهمیت است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سه گونه‌ی اصلی تاریخ‌نگاری قابل شناسایی است: تاریخ‌نگاری شخصیت‌محور یا تک‌نگاری، تاریخ‌نگاری رسمی با محتوای آثار و تألیفات (کتاب) و تاریخ‌نگاری شفاهی. در این آثار از تاریخ اجتماعی مردم لرستان از جمله عرایض مردمی به نمایندگان مجلس که منبع نیکویی در این باره هستند، غفلت شده است. مشکل دیگر در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری این دوره، پراکندگی داده‌ها و منابع اطلاعاتی است. نبود پایگاه اسنادی مستقل خاص استان، دسترسی به داده‌های کافی برای تولیدات علمی را با مشکلات بی‌شماری روبرو کرده است.

واژه‌های کلیدی

لرستان، عصر پهلوی دوم، تاریخ‌نگاری، روش‌شناسی، آسیب‌شناسی.

^۱گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
^۲پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
^۳گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول:

مجتبی سلطانی احمدی

رایانامه: msoltani94@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

سلطانی احمدی، مجتبی؛ سوری، ایرج و گوهری فخرآباد، مصطفی (۱۴۰۲). نقد و آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری لرستان درباره دوران پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش). دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۱)، ۱۱۱-۱۲۴.

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

تاریخ‌نگاری محلی در حوزه مطالعات تاریخ معاصر ایران، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. تولید آثار در این زمینه، گامی مهم در درک ساختار کلان تاریخ یک سرزمین و توجه به پتانسیل‌های بومی و محلی محسوب می‌شود. ضمن آن‌که از بین رفتن مدارک و شواهد تاریخی از مخاطرات غفلت از تاریخ‌نگاری محلی است. در این میان، تلاش‌های صورت گرفته در مورد استان لرستان در حوزه تاریخ‌نگاری محلی مرتبط با رویدادهای تاریخ معاصر ناکافی است و کمتر توسط اهل تاریخ نگارش یافته‌اند. اگر دانش تاریخ را شامل حوزه‌های سیاسی و نظامی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری قلمداد کنیم، بیشترین مکتوبات تاریخ معاصر مرتبط با لرستان - که البته همان‌ها هم بعد از انقلاب اسلامی تألیف شده است - در حوزه سیاسی - نظامی است و این مسأله‌ای بنیادی است. از محدودیت‌های پژوهش، کمبود داده‌ها خصوصاً در حوزه‌های غیر سیاسی و نظامی است. ماهیت رابطه قدرت و نظم سلسله مراتب اجتماعی در تألیفات تاریخ محلی لرستان از قدیم‌ترین دوره‌ها تا دوره اخیر نقش محوری داشته است. میراث فرهنگی لرستان از گذشته تا دوره مورد نظر، نظمی سلسله مراتبی دارد که صاحبان ثروت و قدرت موضوعیت دارند و بقیه در حاشیه هستند. پس از روی کارآمدن پهلوی‌ها، نظم اشرافی و حاکمان محلی و وارثان آنها این‌بار در چارچوب نظام نوین دولتی نفوذ پیدا کردند و باز در رأس مدارج تاریخی در شکل رسمی قرار گرفتند. علی‌رغم دستاوردهای انقلاب مشروطیت، یعنی شکل‌گیری نظام پارلمانی و داشتن حق رأی و اظهار نظر ملت ایران از طریق منتخبین خود، با توجه به نفوذ صاحبان قدرت این بار در چارچوب نظام مشروطه سلطنتی بر توده‌ها سلطه سیاسی - اجتماعی داشتند. با این توضیح، مسأله پژوهش حاضر بدین قرار است که مکتوبات تاریخی لرستان در دوره پهلوی که به لحاظ محتوایی تاریخ سیاسی و نظامی افراد نامی است، با در پیش گرفتن چه رویکردی می‌تواند به سمت حوزه‌های دیگر حرکت نماید و نقد آثار موجود چه رهیافتی پیش روی ما قرار می‌دهد؟

در این راستا، مقاله حاضر **سؤال اصلی** خود را چنین مطرح می‌کند: چرا جریان‌های تاریخ‌نگاری لرستان دوره پهلوی با وجود شکل‌گیری نظام اداری جدید، باز متوجه رجال نامی و صاحبان قدرت بوده و فاقد یک چارچوب نظام‌مند روش‌شناسی هستند؟ **فرضیه پژوهش** چنین است که: جریان نگارش تاریخ لرستان دوره پهلوی به لحاظ محتوایی، بیشتر به تاریخ سیاسی و نظامی و

نقش صاحبان قدرت می‌پردازد و از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری غفلت کرده است؛ به عنوان نمونه اسناد عرایض مردمی به نمایندگان مجلس شورای ملی و مکتوبات مردمی دوره پهلوی موجود در مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی که به صورت خام موجود هستند، می‌توانند دریچه‌ای جدید از شناخت تاریخ مردم لرستان دوره پهلوی دوم بدست بدهند.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده تاکنون درباره تاریخ‌نگاری لرستان: دوره پهلوی تحقیقی صورت نگرفته است. ذیلاً پژوهشی که دارای درجاتی از تشابه است معرفی می‌گردد.

حمیدرضا دالوند در مقاله «تاریخ‌نگاران لرستان و مقوله هویت» مندرج در مجله *مطالعات ملی*، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۱؛ به نقد رواج سنت شفاهی در مطالعات لری پژوهی پرداخته است و بحث هویت‌سازی‌های غیر مستند و نگرش قوم‌مداری آن را آسیب‌زا دانسته است. وی به دوره قاجار به بعد نظر دارد. وجه تمایز پژوهش حاضر علاوه بر پرداختن به دوره‌ای خاص، در حوزه نقد محتوایی و روش‌شناسی است. مسأله و یافته‌های این پژوهش کاملاً متفاوت است و به دنبال شناسایی سبک‌های رایج تاریخ‌نویسی و نیز شناسایی حوزه‌هایی است که می‌تواند محل تحقیق و پژوهش باشد و رویکردی متفاوت را دنبال می‌کند. در چارچوب نقد محتوا و مسائل روش‌شناختی به دلیل فاقد نمونه بودن به همین حد در بخش پیشینه اکتفا می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

فرایند بازنمایی واقعیت‌های تاریخی در قالب روایت‌های مکتوب تاریخی است که در یک چارچوب گفتگمانی مشخص صورت می‌پذیرد و با روش‌ها، رهیافت‌ها و نگرش‌های متفاوت همراه است. بنابراین تاریخ‌نگاری، یک روش تفکر، یک نوع رفتار علمی و یک شیوه عمل فرهنگی است که در قالب یک پیام زبانی عرضه می‌شود (ملایی توانی، ۱۳۹۵: ۳). وقتی از تاریخ‌نگاری پرسش می‌کنیم، پرسش از یک معرفت مرتبه اول است و وقتی از تاریخ‌نگاری سخن می‌گوییم عبارت است از: نحوه نگاشتن تاریخ توسط مورخ (آرام، ۱۳۸۶: ۵۰).

جریان تاریخ‌نگاری و مسائل روش‌شناسی در دانش تاریخ از اهمیت خاصی به ویژه در حوزه‌های محلی برخوردار است. با تبیین سبک‌های نگارش از جنبه‌های دوگانه محتوایی و روش‌شناسی در

تاریخ‌نگاری لرستان دوره پهلوی این که همه این آثار، متأخر از رویدادها نگارش یافته‌اند و نگاه پسینی دارند؛ یعنی به دلایلی مانند بی‌توجهی به حوزه محلی، فشارهای حکومت پهلوی و سانسور نگارش‌ها، فقدان نویسنده متخصص در این دوره و ... این آثار پس از انقلاب اسلامی با جمع‌آوری داده‌های مراجع برجای مانده مکتوب شده‌اند.

۱. کتب و تألیفات تاریخی مرتبط با دوره پهلوی

نقد شکلی: تألیفات درباره تاریخ لرستان دوره پهلوی بیشتر به سبک توصیفی هستند و اطلاعات تخصصی در این حوزه در بر دارند. برخی ناشران در سطح استان و بعضاً مرکز اسناد انقلاب اسلامی یا برخی ناشران دیگر مبادرت به نشر این دسته آثار نموده‌اند.

نقد محتوایی: در آثار و تألیفات موجود در قالب کتاب در

دوره مورد نظر، بازیگران اصلی آن همچنان رجال نامی هستند. در بررسی‌های تاریخی و با مراجعه به مستندات برجای مانده در لرستان دوره پهلوی خصوصاً مکاتبات مردمی، مشخص می‌گردد که بیشتر مطالبات فردی است تا گروهی و انسجام اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی در جهت اهداف مشترک چندان به چشم نمی‌آید. بخش مهمی از این پراکندگی اجتماعی به نوع و شیوه حکومت بر می‌گردد؛ حکومتی که منافع عمومی در آن در جهت خواست و اراده سیاسی و سلاطین طبقه حاکمه گره خورده است. بخش دیگری نیز به فرهنگ حماسی اسطوره‌گرایی و قهرمان‌پروری و ناجی‌گری نام‌آوران در لرستان بر می‌گردد که به لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی ریشه در فرهنگ سنتی این خطه از خاک کشور دارد. همچنین فقدان ساز و کارهای قانونی برای توجه به مطالبات مردمی سبب گردید به افراد نامی مخالف رجوع گردد. مجموع این فرایند موجب شد که فرهنگ سیاسی شخص‌گرایی حاکم گردد. لذا بر اساس مستندات تاریخی موجود شایسته است پژوهشگران به طور خاص به موضوع مردم و کنش‌های سیاسی آنان و ذهنیت‌ها و برداشت‌های آنان در تألیفات خود توجه کنند تا رویه یک‌جانبه‌نگری کتب پیرامون رجال نامی و مغفول ماندن نقش محوری مردم تداوم نیابد.

کتب منتشر شده در باب تاریخ لرستان دوره پهلوی، بیشتر مشتمل بر توصیف رویدادهای سیاسی و ترسیم رهبران سازمان‌ها است. کتب مشخصی که مردم و طبقات فرودست و عوام را به عنوان هدف اصلی خود مدنظر داشته باشد به ندرت به چشم

دانش تاریخ می‌توان به سنجش علمی و نقد آثار موجود نائل آمد که افق‌های جدیدی پیش روی ما قرار می‌دهد. در مورد تاریخ ایران همواره جنبه‌های اجتماعی و غیرسیاسی در حاشیه متون بوده‌اند و یکی از اهداف پژوهش حاضر توجه به این موضوع در سطح خرد و محلی و به صورت مطالعه موردی است.

اگرچه جمعیت‌ها در همه اعصار ایران مهم بوده‌اند، اما تاریخ‌نگارها و متخصصان علوم سیاسی توجه اندکی به آنها کرده‌اند. تحلیل‌گران موافق همواره آنان را به عنوان مردمی ستوده‌اند که برای کشور، آزادی و عدالت مبارزه می‌کنند. تحلیل‌گران ناموافق آن‌ها را مزدور خارجی خوانده‌اند، یا خرابکارهایی متشکل از «لوباش»، «اشرار»، «اراذل»، «تفاله‌های جامعه» و ... (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۱۰). اهمیت توجه به سلسله مراتب اجتماعی در پژوهش حاضر از آن روی است که حیات اجتماعی و جنبه‌های مهمی از تاریخ کلان و خرد ایران در حاشیه متون است و کمتر سعی گردیده این گروه‌های مرجع دیده شوند.

پژوهش حاضر می‌کوشد گونه‌های تاریخ‌نگاری رایج لرستان مربوط به دوره پهلوی دوم را که پس از انقلاب نوشته شده‌اند، ابتدا معرفی نماید. سپس با نقد محتوایی و روش‌شناختی، نقاط ضعف و مورد غفلت قرار گرفته را نشان بدهد. موانع پژوهش و تولید محتوا را که ارتباط نزدیکی با دایر بودن و در دسترس بودن آرشیوها و مراکز نگهداری اسناد و مراجع تاریخی دارند، مورد توجه قرار بدهد تا آسیب‌شناختی در حوزه منابع خام و غیر تألیفی نیز بدست داده باشد.

در تاریخ‌نگاری‌های لرستان مربوط به سلطنت پهلوی دوم، در مکتوبات رویکرد توصیفی غلبه دارد و حوزه‌های تاریخ اجتماعی و تاریخ شفاهی کمتر مورد توجه بوده‌اند. شخصیت اصلی این آثار، رجال نامی سیاسی و مذهبی هستند. موضوع تاریخ‌نگاری لرستان می‌تواند ضمن شناسایی آثار موجود، ظرفیت‌ها و کمیت و سطح کیفی پژوهش‌های تاریخی این منطقه جغرافیایی را پوشش بدهد. شایان ذکر است مراد از تاریخ‌نگاری پهلوی دوم آثاری است که درباره این دوره از تاریخ لرستان پس از انقلاب اسلامی نوشته شده است؛ چرا که در دوره پهلوی دوم درباره تاریخ لرستان چیزی نوشته نشده است.

روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای-آرشیوی است. روش

پژوهش تطبیقی- مقایسه‌ای و تحلیل محتوا خواهد بود. پژوهش حاضر می‌کوشد حوزه‌های حاشیه‌ای و آسیب‌های موجود را در حد توان شناسایی و راه‌کارهایی ارائه بدهد. نکته آخر درباره جریان

نقد روشی: در کتب مرتبط با تاریخ‌نگاری لرستان مسائل روش‌شناختی از جمله پیشینه و جنبه نوآوری و مبانی نظری چندان در آنها مشهود نیست. بیشتر انگیزه پدیدآورندگان، بازسازی و توصیف رویدادها از میان منابع پراکنده موجود بوده است. کمتر پژوهشگران آکادمیکی به این حوزه توجه داشته‌اند. نقد و ارزیابی علمی درباره کیفیت آنها صورت نگرفته است. جنبه جریان‌شناسی آنها چندان مشهور نیست و بیشتر شکل نقلی دارند.

می‌خورد. به عبارت دیگر در این آثار در قالب سازمانی به مردم نگریده شده است. ضمن آنکه از مبانی نظری و رویکردهای روشمند نیز غالباً بی‌بهره‌اند. ذیلاً فهرستی از کتب در حوزه تاریخ لرستان دوره پهلوی ارائه می‌گردد. به جز در موارد معدودی عمده این آثار به صورت پسینی و بر اساس شواهد برجای مانده نگارش یافته‌اند. بیشتر این کتب وقایع‌نگاری و تحولات سیاسی را مدنظر داشته‌اند. پرداختن به توده‌ها و ذهنیت‌ها و انگیزه‌های سیاسی آنان محوریت نداشته و به دلیل قلت مستندات و نیز کم‌توجهی به تاریخ‌نگاری محلی این خطه بیشتر سعی گردیده به بازسازی اتفاقات بپردازند.

کتب و تألیفات تاریخ لرستان دوره پهلوی

ردیف	نام اثر	حوزه محتوایی و روش‌شناسی	مشخصات اثر
۱	انقلاب اسلامی در لرستان	کتب- توصیفی	تالیف حمیدرضا داوند
۲	انقلاب اسلامی و لرستان	کتب- توصیفی	تالیف حاجی رضا خدابخشی
۳	نام آوران لرستان	کتب- توصیفی	تالیف: محمدرضا والی زاده معجزی، انتشارات حروفیه
۴	تاریخ سیاسی لرستان	کتب- توصیفی	تالیف: رضا خدابخشی، انتشارات افلاک
۵	آیین‌ها و باورهای مذهبی لرستان	کتب- توصیفی	تالیف: علی داد برزویی، انتشارات افلاک
۶	لرستان پژوهی	کتب- توصیفی	سید فرید قاسمی، انتشارات شقایق
۷	ناموران علمی، فرهنگی معاصر استان لرستان	کتب- توصیفی	تالیف: علی داد برزویی، انتشارات شاپور خواست
۸	تاریخ لرستان: روزگار پهلوی از کودتای ۱۲۹۹ تا نهضت ملی شدن صنعت نفت	کتب- توصیفی	تالیف: محمدرضا والیزاده معجزی، ناشر حروفیه.
۹	تاریخچه آموزش در لرستان در دوره پهلوی	کتب- توصیفی	تالیف: جهانگیر خسروی شکیب، انتشارات هاویر.

تاریخچه این قوم را از دوران باستان تا سده کنونی در بر دارد. چنان‌که درباره جغرافیای لرستان در عصر پهلوی هم اطلاعات ارزشمندی در آن آمده است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۰: ۱۴۵).
- خدابخشی، رضا (۱۳۷۴)، *انقلاب اسلامی و لرستان*، قم: دارالنشر اسلام.

اثر مذکور گرچه در ارتباط با دوره پهلوی دوم حاوی اطلاعاتی است، اما رویکرد توصیفی دارد و به رویدادهای سیاسی و اجتماعی لرستان نظر کرده است. همانند سایر کتب، تاریخ سیاسی و بازیگران اصلی را مدنظر دارد. لذا فقط در لا به لای محتوای اثر می‌توان درکی از سایر جنبه‌ها بدست آورد.

- غضنفری امرایی، اسفندیار (۱۳۹۳)، *تاریخ غضنفری: روزگاران لرستان از آغاز تا عصر پهلوی*، دو جلد، انتشارات شاپورخواست، خرم‌آباد.

جلد دوم اثر فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را پوشش می‌دهد. نویسنده از خاندان‌های بانفوذ لرستان در دوران پس از مشروطیت است و بیشتر رویدادهای سیاسی مرتبط با خاندان خود را پوشش داده است. کتاب یک تاریخ سیاسی است با موضوع

علاوه بر منابع بالا ذیلاً بقیه این دسته منابع که در خور توجه هستند معرفی می‌گردند:

- ساکی، علی محمد (۱۳۴۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان*.

اثر مذکور مشتمل بر جغرافیای تاریخی لرستان و تاریخ لرستان تا اواخر عهد پهلوی اول است و اگرچه دوره پژوهش ما را در بر نمی‌گیرد، اما به سبب داشتن اطلاعات ارزنده در باب رجال سیاسی و مذهبی نامی و ساخت سیاسی - اجتماعی لرستان شایان توجه است. همچنین در مباحث قوم‌شناسی و رسوم لرستان نیز حاوی اطلاعات گران‌سنگی است. اثر مذکور که در سال ۱۳۴۱ تألیف گردیده است، آخرین تقسیمات جغرافیایی را در این سال آورده است (ساکی، ۱۳۴۱: ۵).

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، قوم‌لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران.

این اثر از معدود آثاری است که به زبان، قومیت و ساخت سیاسی - اجتماعی قوم لر، ساخت ایلیاتی و عشایری از سوی یک لر پژوه که دارای تخصص انسان‌شناسی و از رجال بنام لر است، پرداخته است و

است، یعنی از سوی افراد خانواده و یا نزدیکان و بعضاً اهل تحقیق اهتمام ورزیده و مکتوب شده‌اند. این آثار مبتنی بر روایت شاهدان عینی است که با نوع نگاه خاص خود به توصیف می‌پردازند. این دسته آثار در مقایسه با دیگر مستندات از ارزش علمی درخوری برخوردار هستند. به رویدادهایی نظر دارند که ممکن است مکتوب نشده باشند. به طور کلی تألیفات تک‌نگاری، روایت فردی است که خود ناظر حوادث بوده و بر اساس نگرش و جهان‌بینی خود به ماهیت جریان‌ها نگریسته است و رویدادها را از پنجره نگاه او می‌نگریم و از صافی ذهن او گذر کرده و مکتوب شده است، لذا بیشتر توصیف وقایع است، اگرچه به عادات و خلیقات مردم و انگیزش‌های سیاسی آنان نیز تا حدودی پرداخته شده.

در این دسته آثار، این که مخاطبان اصلی رجال سیاسی - مذهبی هستند، امری طبیعی در این آثار است؛ چرا که در فرهنگ سیاسی این دوره، بیشتر نقش محوری راهبری داشته‌اند. با توجه به توزیع قدرت در بین اشراف و طبقه حاکم و فقدان ساز و کارهای قانونی برای مطالبه‌گری، همواره فرد یا افراد و یا نهاد مردمی خاصی با قبول مخاطرات به بیان اجحافات جاری پرداخته و افراد گرد او جمع شده و به نوعی بسیج سیاسی می‌گردیدند. این آثار در حوزه تاریخ اجتماعی و نقش مردم نیز در روندهای اعتراضی حاوی اطلاعات هستند.

نقد روش شناختی: کتب و آثار تألیفی درباره تاریخ لرستان در دوره مورد بررسی، بیشتر جنبه توصیفی دارند. بیشتر تحولات سیاسی و روندهای تاریخی را بررسی نموده‌اند. ضمن آن که در حوزه تاریخ اجتماعی یا تاریخ شفاهی متون اندکی موجود است و این ضعفی است که باید مورد توجه پژوهشگران حوزه تاریخ محلی واقع گردد. اکثراً فاقد پیشینه و ادبیات پژوهش و چارچوب نظری منسجم هستند و جنبه تبیینی و تحلیلی چندان ندارند.

زندگینامه‌ها با موضوع تاریخ لرستان دوره پهلوی

ردیف	نام اثر	حوزه محتوایی و روش‌شناسی	مشخصات اثر
۱	آیت‌الله روح‌الله کمالوند به روایت اسناد ساواک	تک‌نگاری و توصیفی	انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات
۲	یادهای ماندگار خاطرات من و همسرم دکتر تک‌نگاری و توصیفی هوشنگ اعظمی بیرانوند	تالیف: فریده کمالوند.	انتشارات اشاره
۳	خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی دو جلدی	تک‌نگاری و توصیفی	تالیف: محمدرضا احمدی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

رجال نامور. در واقع موضوع اصلی کتاب، شرح حال پسران آخرین والی پشتکوه یا لرستان دوره قاجاریه است: علی محمد خان غضنفری که مقاماتی در اداره‌های دولتی داشته و وکیل مردم لرستان در مجلس بوده، یا دیگر پسر والی پیشین محمد حسین خان غضنفری امرایی و اقدامات او در لرستان و ...

- خسروی شکیب، جهانگیر (۱۴۰۲)، *تاریخچه آموزش در لرستان در دوره پهلوی* انتشارات هاویر.

فصل پنجم به وضعیت آموزش و پرورش در لرستان دوره پهلوی در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ پرداخته است. برای شناخت وضعیت کلی تعلیم و تربیت و آموزش لرستان این دوره حاوی اطلاعات سودمندی است.

- محمدرضا والیزاده معجزی (۱۳۸۲)، *تاریخ لرستان: روزگار پهلوی از کودتای ۱۲۹۹ تا نهضت ملی شدن صنعت نفت*، خرم‌آباد: حروفیه.

جلد دوم اثر مرتبط با دوره پهلوی در سال‌های مورد نظر پژوهش حاضر است. کتاب سازماندهی مشخص چندان ندارد و با پرداختن به روایت یک شخصیت تاریخی تا پایان عمر جلو می‌رود و از این رهگذر تاریخ لرستان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بیشتر نوعی سرگذشت نویسی یا توجه به رجال نامی است.

۲. زندگینامه‌ها و تک‌نگاری‌های مرتبط با دوره پهلوی در استان لرستان (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

زندگینامه‌ها و خاطرات موجود درباره دوره پهلوی دوم در ردیف منابع تاریخ‌نگاری نیستند و پرداختن به آنها در پژوهش حاضر با این ذهنیت است که به عنوان منابع جانبی از آنها غفلت نشود. همچنین اکثراً تاریخ سیاسی و نظامی هستند، ولی به صورت پراکنده می‌توان از لابه لای این نوشتارها در این حوزه به اطلاعاتی رسید. این دسته آثار به دلیل اینکه به حوزه‌های اجتماعی، هنری و ذهنیت عوام اشاراتی داشته‌اند در درک تاریخ اجتماعی محلی مفید هستند.

نقد شکلی: زندگینامه‌ها و خاطرات در ردیف نوشته‌های شخصیت‌محور محسوب می‌شوند. راوی اول شخص مفرد است و با سبک توصیفی به گزارش روندها می‌پردازد و از حیث دست اول بودن روایت دارای اهمیت است. معمولاً کمتر تجدید چاپ می‌شوند و مخاطبین خاص دارند.

نقد محتوایی: در نگارش زندگینامه‌ها و تک‌نگاری‌ها در باب رجال سیاسی - مذهبی و شخصیت‌های اثربخش در رویدادهای لرستان دوره پهلوی، عمدتاً سیر پسینی وجود داشته

بافتار ایلی استان نوعی تفاخرگرایی یا تاریخ‌سازی هم دیده می‌شود و نیاز است اهل فن با ورود به حوزه تاریخ محلی از عوام‌گرایی و روایت‌سازی غیر مستند جلوگیری نمایند. روایت‌گری بر اساس ادبیات حماسی یا تاریخ شفاهی که جنبه علمی ندارد از جمله این آسیب‌هاست. در محافل عمومی تمایز ایل و طایفه دانسته نیست و از طایفه به خطا به عنوان لیل نام برده می‌شود. در بهترین حالت شاید بتوانیم آنها را نقال یا راوی گذشته بنامیم.

در خصوص مراکز آرشیوی در استان لرستان، فقدان مراکز آرشیوی و تحقیقاتی کافی و عدم سازماندهی آنها و پراکندگی مستندات تاریخی از مهمترین موانع موجود برای پژوهشگران است. حجم وسیعی از مکاتبات، عرایض و اسناد مردمی به صورت فله‌ای و غیر دیجیتال در مراکز آرشیوی تهران وجود دارد که دسترسی سخت برای دغدغه‌مندان تاریخ لرستان و نه پایتخت‌نشینان، سبب گردیده است که بخش مهمی از مدارک تاریخی لرستان بلا استفاده بماند.

به گفته یکی از فعالان در زمینه لر پژوهی که دارای سابقه چندین ساله همکاری با مراکز نشر و آثار مرتبط با تاریخ لرستان است: «در استان لرستان تعداد معدودی از ارگان‌های دولتی به صورت محدود با سرویس‌دهی پایین دارای بخش‌هایی برای نگهداری اسناد و مستندات و تألیفات در حوزه تاریخ لرستان هستند. ذیلاً ضمن معرفی آنها مشکلات موجود در این زمینه تشریح می‌گردد.

۱. اداره کل میراث فرهنگی لرستان مستقر در خرم‌آباد: در بخش نشر آثار آن کتب و مستندات در زمینه‌های مختلف از جمله تاریخ موجود است. ۲. اداره کل فرهنگ و ارشاد خرم‌آباد: در حوزه تاریخ و زندگی‌نامه‌های رجال لر در بخش نشر و آثار آن کتب و مستندات نگهداری می‌شود. ۳. اداره فرهنگ و ارشاد شهرستان بروجرد: در آرشیو این اداره در زمینه بروجرد و رجال آن کتب و مستندات موجود است. عمده مستندات لرستان در آرشیوهای تهران نگهداری می‌شوند و لرستان فاقد مراکز آرشیوی مشخص با سرویس‌دهی مناسب به علاقمندان و محققان است» (مصاحبه با مجتبی مقدسی - ۱۳۹۶/۶/۱۶).

۲-۳. مطبوعات و نشریات لرستان

شاید تنها اثر در خور توجه درباره تاریخ مطبوعات و نشریات لرستان، پیشینه ارتباطات و تاریخ مطبوعات خرم‌آباد نوشته سید فرید قاسمی منتشر شده در سال ۱۳۸۷ است. بخش دوم اثر به تاریخ مطبوعات در لرستان نظر دارد و جنبه‌های مختلف ارتباطات این دوره را بررسی نموده است. تصاویری هم از روزنامه‌نگاران و مطبوعات لرستان را در

در اینجا نمونه چهارم خاطرات و تک‌نگاری‌های دوره پهلوی معرفی می‌گردد:

بصیری، بهروز (۲۰۰۳م)، *خاطرات سپهبد عزیز پالیزبان*، آمریکا (لس آنجلس)، انتشارات نارنجستان. اثر مذکور، درباره سپهبد پالیزبان است که اصالتاً لرتبار بوده و در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدتی فرمانده و معاون لشکر لرستان بود. خاطرات فرد مذکور از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مجموعه کتب *تقد تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی* کتاب دهم از صفحات ۱۸۵-۲۲۱ مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. راوی می‌کوشد در تبیین رویدادها در بسیاری مواقع خود را تابع فرامین بالادستی نشان بدهد یا خدمات خود را در جهت خدمت به ملت بیان کند و از پنجره نگاه خود به حوادث بنگرد و در واقع روایت رسمی بدست می‌دهد. با این وجود در شناخت فضای کلی این دوره و نقش نهادهای نظامی در رویدادهای معاصر می‌تواند محل رجوع باشد.

در تمامی زندگی‌نامه‌ها و تک‌نگاری‌ها، به کنش‌های سیاسی- اجتماعی بازیگران اصلی پرداخته شده است؛ در این دسته آثار می‌توان برداشت‌ها، ذهنیت‌ها و محرک‌های کنشگری سیاسی- اجتماعی بازیگران اصلی را شناخت. در حاشیه نیز تا حدودی با وضعیت توده‌ها آشنا شد. از این جهت شاید خاطرات و زندگی‌نامه‌های شخصیت‌های مذهبی که پیوند نزدیک‌تری با توده‌ها داشتند می‌تواند مفیدتر باشد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد این دسته آثار، منابع دست اول از لحاظ اعتبار تاریخی نیستند و به طور جانبی در کنار مراجع اصلی می‌توانند محل رجوع باشند.

۳. منابع غیر مکتوب و وضعیت مراکز آرشیوی محل

ضبط اسناد

۱-۳. مراکز آرشیوی در لرستان و مشکلات موجود

ناشران کتب تاریخ محلی، با همه محدودیت‌ها در جهت تولید محتوای تاریخ لرستان گام‌های ارزنده‌ای برداشته‌اند. در شناخت کلیات تاریخ لرستان اگرچه به صورت پراکنده و با وقفه آثاری موجود است. سازماندهی و سیاست حمایتی از آنها و به کارگیری اهل تاریخ در این مراکز می‌تواند گام مثبتی در جهت تقویت و تشویق برای توجه به تاریخ محلی باشد. حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ و هنر محلی حوزه‌هایی هستند که می‌تواند مورد توجه ناشران تاریخ محلی باشند. یکی از نقاط آسیب‌زا در مورد تاریخ محلی لرستان، وجود بخشی از اسناد در دست افراد محلی است که سرویس عمومی نمی‌دهند یا توانایی تفسیر و خوانش و کاربست آنها را در چارچوب یک اثر علمی ندارند. علاوه بر این با توجه به

استان پخش می‌گردد و خود اتکا است، در ایجاد انگیزه و جلب نظر برای توجه به تاریخ محلی و میراث فرهنگی استان بسیار مؤثر است و می‌تواند حتی پوشش کشوری هم داشته باشد» (مصاحبه با صالح سوری-۱۹/۰۶/۱۳۹۶).

این نشریات بنا به دلایل مختلفی مانند عدم حمایت‌های مادی و معنوی از سوی ارگان‌های ذیربط دولتی و کمبود محققین از استمرار چندانی برخوردار نیستند. در بحث جراید و روزنامه‌های دوره مورد نظر حجم وسیعی از وقایع مرتبط با تاریخ استان در آنها موجود است که مرکز مشخصی در لرستان برای بایگانی این قبیل مستندات که به صورت منظم طبقه‌بندی گردیده باشد، موجود نیست. این دسته از آثار به صورت خام در بایگانی‌های نمایندگان‌های این روزنامه‌ها در استان و یا در تهران در مراکز آرشیوی به صورت خام نگهداری می‌شوند. پراکندگی اخبار تاریخی مربوط به لرستان در روزنامه‌های مختلف و عدم دسترسی آسان به مراکز آرشیوی برای همگان از مشکلات عمده برای پژوهشگران این حوزه است. ضمن آن که آثار مستقلی که رویدادهای مربوط به لرستان را ثبت کرده باشد اندک هستند. بیشتر نشریات و جراید مرتبط با تاریخ لرستان از پوشش حمایتی دولتی چندان بهره‌ای ندارند و به صورت غیرانتفاعی و با سرمایه شخصی متصدیان نشریات اداره می‌شوند و توقف و وقفه در روند کار آنها از حیث منابع مالی نیز یک مشکل است. همچنین تبلیغات رسانه‌ای برای جذب اهل علم و پژوهش کافی ندارند و مخاطبان خاص دارند.

۳-۳. مراکز و پایگاه‌های اسنادی تهران

عمده مستندات درباره تاریخ لرستان در دوره پهلوی در مراکز آرشیوی تهران نگهداری می‌گردند. علی‌رغم حجم بالای این اسناد، بخش زیادی از آنان به صورت خام هستند و یا پراکنده و فاقد طبقه‌بندی و تفکیک نشده‌اند. ذیلاً این مراکز آرشیوی معرفی می‌گردند.

۳-۳-۱. سازمان اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مهمترین منبع مکاتبات و تظلم‌خواهی‌های مردم و طبقات فرودست، عرایضی است که به نمایندگان مجلس شورای ملی از دوره هفدهم تا بیست و چهارم از سوی مردم لرستان نوشته شده و در این مرکز بر جای مانده است. این عرایض در حوزه پژوهش‌های تاریخی از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان نمونه گزارشی از عرایض سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ دوره ۱۹ مجلس شورای ملی که مورد بررسی قرار گرفته است ارائه می‌گردد:

عرایض مردم لرستان به دو نماینده خود در دوره ۱۹ مجلس شورای ملی در فاصله سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۹ حاکی از این است

آخر منتشر کرده است. این اثر برای درک تاریخ اجتماعی، فرهنگی و هنری لرستان دوره پهلوی نیز حاوی اطلاعاتی است و وضعیت آموزش و راه‌های دسترسی به اطلاعات را برای مردم نیز مورد بررسی قرار داده است. کتاب دیگر با عنوان *چهل سال با مطبوعات اثر سید محمد رضا قیاسیان* منتشر شده در سال ۱۳۹۱ است. این دو اثر درباره فعالیت‌هایی که در این حوزه صورت گرفته حائز اهمیت بالایی هستند. در لابه‌لای نوشتارهای آن دو می‌توان به نقش مردم و گروه‌های اجتماعی در وقایع دوره پهلوی دوم دست یافت.

با این وجود، علی‌رغم انتشار نشریات محلی و ماهنامه‌ها در دوره مورد نظر، بخش اعظمی از شرایط اجتماعی و وضعیت مردم در روزنامه‌های این دوره مستتر مانده است. پراکندگی بایگانی‌ها، دیجیتالی نبودن آنها، تمرکز بایگانی جراید در تهران، فقدان مرکز مشخص آرشیوی در این خصوص در لرستان و ... همگی سبب گردیده بخش ژورنالیستی با موضوع مردم در حاشیه قرار بگیرد. توجه بخش دولتی و مسئولین ذیربط و صرف هزینه و تخصیص بودجه برای راه‌اندازی آرشیوهای جراید و در دسترس پژوهشگران قرار گرفتن آنها کمک بزرگی به تاریخ‌نگاری با موضوع مردم لرستان می‌تواند بکند. بسیاری از زوایای حیات مردم در لابه‌لای این نشریات بازگو گردیده است که با مطابقت با سایر منابع دست اول می‌تواند محل استناد قرار بگیرد.

در سال‌های گذشته تعدادی نشریه در قالب ماهنامه و گاهنامه مانند *لرستان پژوهی* و *شقایق* منتشر گردیده‌اند که حاوی اطلاعات تاریخی درخوری در حوزه تاریخ لرستان دوره پهلوی هستند. فصلنامه‌های محلی مانند *مناخ*، *پریسک زاگرس*، *مجله ادبی درگاه* به همت علاقه‌مندان فرهنگ و تاریخ لرستان به طور خصوصی دایر شده‌اند. آنها با نویسندگان و محققان لریژه مصاحبه‌هایی کرده و یا اطلاعاتی در باب تاریخ لرستان در آنها به صورت ادواری منتشر می‌گردد. همچنین سایت‌های تحلیلی — خبری مانند *بلوستان*، *کشکان*، *هومیان*، *میرملاس* و یافته نیز بعضاً مستنداتی در باب تاریخ لرستان و رجال‌شناسی منتشر می‌کنند.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه *پریسک زاگرس* لرستان درباره اهداف، خط مشی و مشکلات موجود در زمینه معرفی آثار تاریخی لرستان می‌گوید: «من و دوستان همکار با علاقه‌های شخصی و با هدف اشاعه تاریخ و فرهنگ استان لرستان با هزینه‌های شخصی پس از اخذ مجوز و ثبت فصلنامه مبادرت به این کار کردیم ... از مشکلات عمده ما فقدان دسترسی آسان به محققان و رجال نامی برای توسعه کار است. در صورت همکاری ارگان‌های متصدی امور فرهنگی و حمایت‌های بیشتر این قبیل فصلنامه‌ها که در چند

ملاکین و صاحبان قدرت پیشین همچنان به قوت خود باقی بود و ساخت بوروکراسی دولتی نیز کماکان در جهت اراده سیاسی و منافع این گروه‌ها قرار داشت. ضمن آن که گروه‌های مذهبی و نهاد روحانیت نیز به عنوان طبقه متوسط سنتی به شکل رسمی تری وارد منازعات گردید و این امر در جلب افکار مردم و هماهنگی بین آنها با ریشه‌های تاریخی این پیوند مستحکم‌تر گردید. فقدان برآورده شدن خواست عمومی از طریق ساخت بوروکراسی دولتی و پیوستن مردم به نهادهای مذهبی و گروه‌های مخالف جهت تغییر روابط قدرت نتیجه این وضعیت بود.

مهمترین و شاید تنها اثری که بر اساس اسناد و عرایض مجلس شورای اسلامی منتشر گردیده است کتاب *اسناد خرم آباد: عریضه‌ها، انتخابات، گوناگون* تألیف سید فرید قاسمی، انتشارات موزه و مرکز مجلس شورای اسلامی است. اگرچه با توجه به حجم بالای این اسناد قطعاً در یک اثر قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اما درباره انتخابات و عرایض ۲۴ دوره به طور کلی حاوی اطلاعات با ارزشی است. ضمن آن که با توجه به تنوع و گستردگی این اسناد تبیین و تحلیل محتوای عرایض مردم در دوره‌های مورد نظر ما، نیازمند کارهای متعدد بسیاری است. ضمن آن که اثر مذکور یک کار توصیف‌محور است.

۲-۳-۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی

حجم وسیعی از اسناد ساواک و مکتوبات مربوط به تاریخ لرستان در سال‌های مورد نظر در مراکز و آرشیوهای تهران موجود است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز یکی از این مراکز است. این اسناد که بیشتر به صورت خام و کمتر دیجیتالی و سازماندهی شده هستند، توسط برخی پژوهشگران مورد ارزیابی بر حسب کار خود قرار گرفته‌اند، اما هنوز بسیاری از آنها بلااستفاده مانده‌اند. ضمن آن که این اسناد در تهران نگهداری می‌شوند و انتقال آنان به لرستان اولین پیش شرط تحول پژوهشی در بررسی علمی آنان است.

۳-۳-۳. سایر مراکز آرشیوی تهران

مرکز اسناد ریاست جمهوری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و ... نیز در زمینه تاریخ لرستان در دوره مورد بررسی دارای اسناد و مکتوباتی هستند. این مراکز نیز مانند موارد فوق‌الذکر دارای همان شرایط هستند. نهاد یا ارگان دولتی مشخصی نیازمند است تا کلیه مکتوبات مرتبط با تاریخ محلی لرستان را شناسایی و به مرور طبقه‌بندی و در استان مستقر نمایند.

که شکایت از ساخت بوروکراسی دولتی و قضایی و امنیتی - انتظامی حائز مقام نخست گردیده است. صاحب منصبان از فئودال‌های محلی بوده و با سیطره سیاسی بر ساخت بوروکراسی دولتی بیشتر در جهت تأمین اهداف خود عمل کرده‌اند.

بر اساس ۷۶ سند عریضه‌ای مردم لرستان به نمایندگان خود این مطالبات در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مجلس شورای ملی نوزدهم بیانگر نکات زیر است: ضعف دستگاه قضایی و فساد در ارگان‌های دولتی ۲۳ مورد (۲۰ مورد مرد و ۳ مورد زن)، ناامنی اجتماعی و زورگویی و چپاول ۲۱ مورد (۱۹ مورد شکایات مرد و ۲ مورد زن)، اختلافات ارضی و مسأله زمین ۱۴ مورد (۱۳ مورد شکایت مرد و ۱ مورد زن)، تجاوز به حریم خانواده و درخواست تخفیف جرم (۳ مورد مرد)، کلاهبرداری و جعل سند ۷ مورد (۶ مورد مرد و ۱ مورد زن)، سایر موارد ۸ مورد (۵ مورد مرد و ۳ مورد زن). (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۹، کارتن از ۵۹، جزوه‌دان از ۱۳/۱، پوشه از ۵۰ تا ۵۰، مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۹، کارتن از ۶۰ جزوه دان از ۱۳/۱، پوشه از ۵۱ تا ۱۰۰).

بر این اساس بین سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ نارضایتی مردم از ساخت اداری دولتی و دستگاه قضایی که با اعمال نفوذ صاحبان قدرت محلی بود در رتبه اول قرار داشت. مردمی که مطالبات به حق خود را پس از سرخوردگی از دستگاه دولتی به ناچار به وکلای مجلس و مقامات کشوری ارجاع داده و درخواست تظلم‌خواهی داشتند. این امر بیانگر این واقعیت است که گفتمان حاکم با زبان قدرت و در جهت گروه حامیان عمل می‌کرد و لذا امری طبیعی است که رجال سیاسی محوریت داشته باشند. اما آنچه مهم تلقی می‌گردد مطالبات و ذهنیت توده‌های عادی جامعه است که در لابه‌لای عرایض نهفته هستند و برای شناخت نگرش‌های آنان بسیار حائز اهمیت تلقی می‌گردند.

اگرچه در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ متأثر از برنامه‌های نوسازی با عناوین مختلف از جمله اصلاحات ارضی و توسعه آموزش و بهداشت و ... تا حدودی وضعیت مردم بهبود پیدا کرد، اما فقدان زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی در لرستان سبب وارد آمدن آسیب‌هایی به اقتصاد سنتی و زندگی عشایری مردم لرستان گردید. مردمی که بسیاری‌شان جذب در نقاط شهری گردیده بودند و در محرومیت به سر می‌بردند یا روستاها را ترک کرده و در مشاغل سخت و سیاه با درآمد کم به سر می‌بردند، تضادهای اقتصادی و نابرابری‌ها و پایمال گردیدن حقوق آنان از مهمترین محرک‌هایی است که در تاریخ‌نگاری محلی چندان جایگاهی پیدا نکرده است. از سال‌های پس از ۱۳۴۰ به بعد بافت ایلیتی و طایفه‌گرایی و نفوذ

۴. منابع تاریخ شفاهی

در این زمینه پژوهشگران بر حسب نیاز به افراد برجسته در رویدادهای انقلابی مؤثر در چند دهه قبل از انقلاب رجوع کرده و لثاری پدید آورده‌اند. بسیاری از خاموشان تاریخ و افراد حاوی اطلاعات ذی‌قیمت هستند که در سایه مانده‌اند و به مرور این نشانه‌ها از بین رفته و این دسته از شواهد تاریخی با توجه به تولیدات کم در حوزه تاریخ لرستان می‌توانند کمک موثری باشند. در استان لرستان پایگاهی مشخص برای ضبط و ارتقاء کیفی این دسته از منابع موجود نیست. بسیاری از آنها شاهدان عینی حوادث هستند که برخی به دلایل سیاسی مانند گروه‌های چپ مارکسیستی و نیز برخی به دلیل غفلت اهل تاریخ در خاموشی به سر می‌برند که دارای اطلاعات ارزشمندی در حوزه تاریخ پهلوی از سال ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هستند که نیازمند شناسایی و مستند سازی اطلاعات آنها است.

در این قسمت شاید بتوان برنامه‌های رایویی پیش از انقلاب را نیز به عنوان منبع دست اول تاریخ لرستان مخصوصاً از جهت اجتماعی در دوره پهلوی معرفی کرد. درباره سابقه رادیو در این استان گفتنی است که مردم لرستان از سال ۱۳۲۸ با ورود رادیو به شکل رسمی‌تری در جریان امور سیاسی و اجتماعی قرار گرفتند. اگرچه در ابتدا به شکل محدود بود و از سوی دستگاه‌های امنیتی کنترل می‌گردید، اما در تحول فکری مردم نقطه عطفی بود (ورود رادیو به لرستان: <http://lorestandat.parsiblog.com>).

رسانه‌های گروهی به عنوان اولین مرکز و پایگاه برای نشر اوضاع لرستان دایر گردید؛ ابتدا رادیو و سپس تلویزیون. در ۴ آبان ۱۳۲۸ خورشیدی ساعت ۸ بعد از ظهر پس از هفته‌ها تبلیغات مستمر دولتی صدای سروان «منوچهر دبیرمنش» از رادیو شنیده شد که می‌گفت: «اینجا قلعه فلک الافلاک است؛ رادیو لرستان. هر شب از ساعت ۸ تا ۹ می‌توانید صدای لرستان را بشنوید». دکتر حمید عیدی، عیسی جزایری و سید کاظم طاهری مجری برنامه‌های مذهبی بودند. عوامل تولید برنامه‌های رادیو اغلب از درجه‌داران و افسران لشکر خرم‌آباد بودند. برنامه‌ها روز شنبه صبح در کتابخانه لشکر ضبط می‌شد. متن برنامه‌ها از کتاب‌های تاریخی و ادبی موجود در کتابخانه انتخاب می‌شد. برنامه پس از باز شنیدن و تأیید فرمانده ارتش روی آنتن می‌رفت. بنا به خاطرات «محمد موسی تاجدینی» سرهنگ بازنشسته ارتش و از مجریان رادیو بی‌سیم خرم‌آباد در سال ۱۳۳۷ خورشیدی تنها ۳۰ درصد مردم خرم‌آباد دارای گیرنده رادیویی بودند. این فرستنده بعدها با تأسیس اداره کل فرهنگ و هنر لرستان در اواسط دهه ۴۰ تعطیل شد و

تجهیزات بی‌سیم از بام قلعه برجیده شد. در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۱ دومین تحول در رادیو صورت گرفت و دولت یک فرستنده چهار کیلو واتی در روستای ماسور دایر کرد. فرستنده ماسور در واقع گام دیگری جهت تأسیس صدا و سیمای مرکز لرستان در سال‌های بعد شد. تحول دیگری که در سال ۱۳۵۱ اتفاق افتاد ورود تلویزیون به استان بود. ورود این رسانه باعث تضعیف جایگاه رادیو در بین مخاطبین شد، ولی در آن زمان هنوز تعداد زیادی از روستاهای استان فاقد برق و تلویزیون بودند و حتی تعداد کمی از شهرنشینان دارای دستگاه گیرنده تلویزیون بودند؛ چرا که هزینه خرید آن بالا بود، بنابراین رادیو کماکان طرفداران زیادی در بین مردم داشت (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۶۰-۷۵۰).

یافته‌ها و نتایج

با بررسی نوشته‌های مربوط به دوره پهلوی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا وقوع انقلاب اسلامی می‌توان گفت که در حوزه تاریخ‌نگاری لرستان تألیفاتی به رشته تحریر در آمده است. این مکتوبات سه دسته‌اند: کتب و خاطرات، اسناد موجود در مراکز آرشیوی، جراید و فصلنامه‌های محلی و سایت‌های تحلیلی-خبری. نگارش کتب و خاطرات بیشتر توصیفی و به رجال سیاسی-مذهبی و سازمان‌ها و تشکلات سیاسی با رویکردی ساختارگرایانه و یا کارگزار محور پرداخته‌اند. به ندرت در پژوهش‌های تاریخ‌نگاری محلی لرستان شاهد آثاری هستیم که به طبقات فرودست و توده‌ها به عنوان موضوع اصلی توجه داشته‌اند. در سطح خرد، لرستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. سیر تاریخ‌نگاری در لرستان پسینی بوده است، یعنی تألیفاتی پیدا نمی‌شود که در همان دوره به رشته تحریر درآمده باشد. این امر متأثر از مرسوم نبودن کتابت تاریخی و ثبت وقایع روزانه و بی‌توجهی به اهمیت تاریخ‌نگاری محلی بوده است. حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ و هنر به لحاظ محتوایی در کتب و تک‌نگاری‌ها مورد توجه نبوده است. از لحاظ روش‌شناسی نیز این آثار توصیفی و رویکرد روایت‌گری دارند. آنها فاقد چارچوب نظری و الگویی تفسیری و علمی — پژوهشی هستند. از دلایل این امر این است که دانش‌آموختگان دانشگاهی و پژوهشگران عرصه تاریخ ورود جدی به حوزه تاریخ محلی نکرده‌اند و این آثار از سوی افرادی نوشته شده است که تخصص علمی در دانش تاریخ ندارند و بیشتر در سطح توصیف آثار قرار دارند و یا جنبه‌های سیاسی و نظامی را پوشش داده‌اند. مراکز دانشگاهی و متصدیان امر پژوهشی در لرستان با ایجاد بسترهای لازم و تشویق و هدایت

صدا و سیما و شهرداری‌ها. یک مرکز ترمیم و نگهداری اسناد و مکتوبات تاریخی نیز باید ایجاد شود. مراکز دانشگاهی لرستان در حوزه‌های تاریخ و اجتماعی و سیاست نیز ضروری است بذل توجه بیشتری به حملیت از موضوع‌های محلی نمایند. با ایجاد مراکز تاریخ شفاهی، مصاحبه‌ها و مستند سازی آنها می‌توان تولید محتوای جدید تاریخی داشت. طرح موضوع و حمایت از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری محلی و دعوت از اهل قلم برای پژوهش و مکتوب کردن آنها در قالب فصلنامه‌ها و نشریات از دیگر اقدامات بایسته در این باره است.

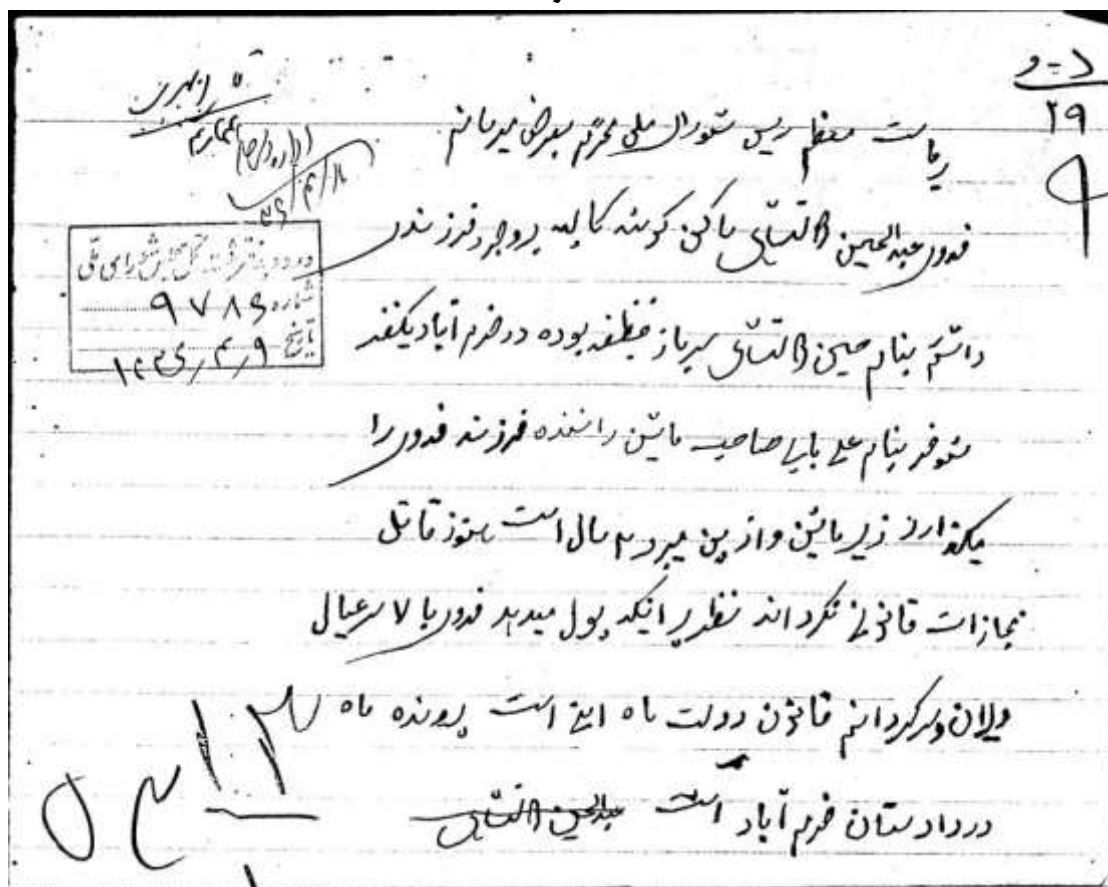
می‌توان گفت اهتمام بخش دولتی متصدی امور پژوهشی - آموزشی به فراهم کردن بستری لازم و ساماندهی مدارک تاریخی در کنار توجه پژوهشگران حوزه با اهمیت تاریخی محلی و مطالعات طبقات اجتماعی و توده‌ها از پیش شرط‌های اصلی تولید محصولات علمی با کیفیت مناسب در این زمینه است؛ امری که در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باید از اولویت‌ها باشد.

پژوهشگران به سمت تاریخ محلی می‌توانند گام مهمی بردارند. کمیسیون عرایض مردمی مجلس شورای ملی مرتبط با لرستان یکی از حوزه‌های کار نشده برای شناخت ذهنیت مردم و فرودستان است که تولیدات علمی محدودی دارد. تاریخ فرودستان، کشت و صنعت، هنر و آموزش و پرورش و ... از حوزه‌هایی هستند که می‌تواند با رویکرد علمی و پژوهشی تولیدات علمی درخوری داشته باشد. امری که نیازمند توجه جدی است. برای ارتقای کیفی و توجه به تاریخ محلی لرستان، فراهم کردن زیرساخت‌های مادی و آموزشی و پژوهشی امری ضروری است؛ چرا که تمرکز مراکز آرشیوی در تهران و برخی شهرها و پراکندگی اسناد تاریخ لرستان یا نگهداری غیر حرفه‌ای در ادارات دولتی همگی از موانع توسعه تاریخ نگاری لرستان هستند. آسیب جدی بزرگ در این باره اسنادی است که به طور غیرحرفه‌ای در بایگانی‌های ادارات مختلف لرستان نگهداری می‌شوند و ارزش پژوهشی دارند و در دسترس اهالی تاریخ قرار ندارند؛ از جمله اوقاف، ثبت اسناد و املاک، مراکز

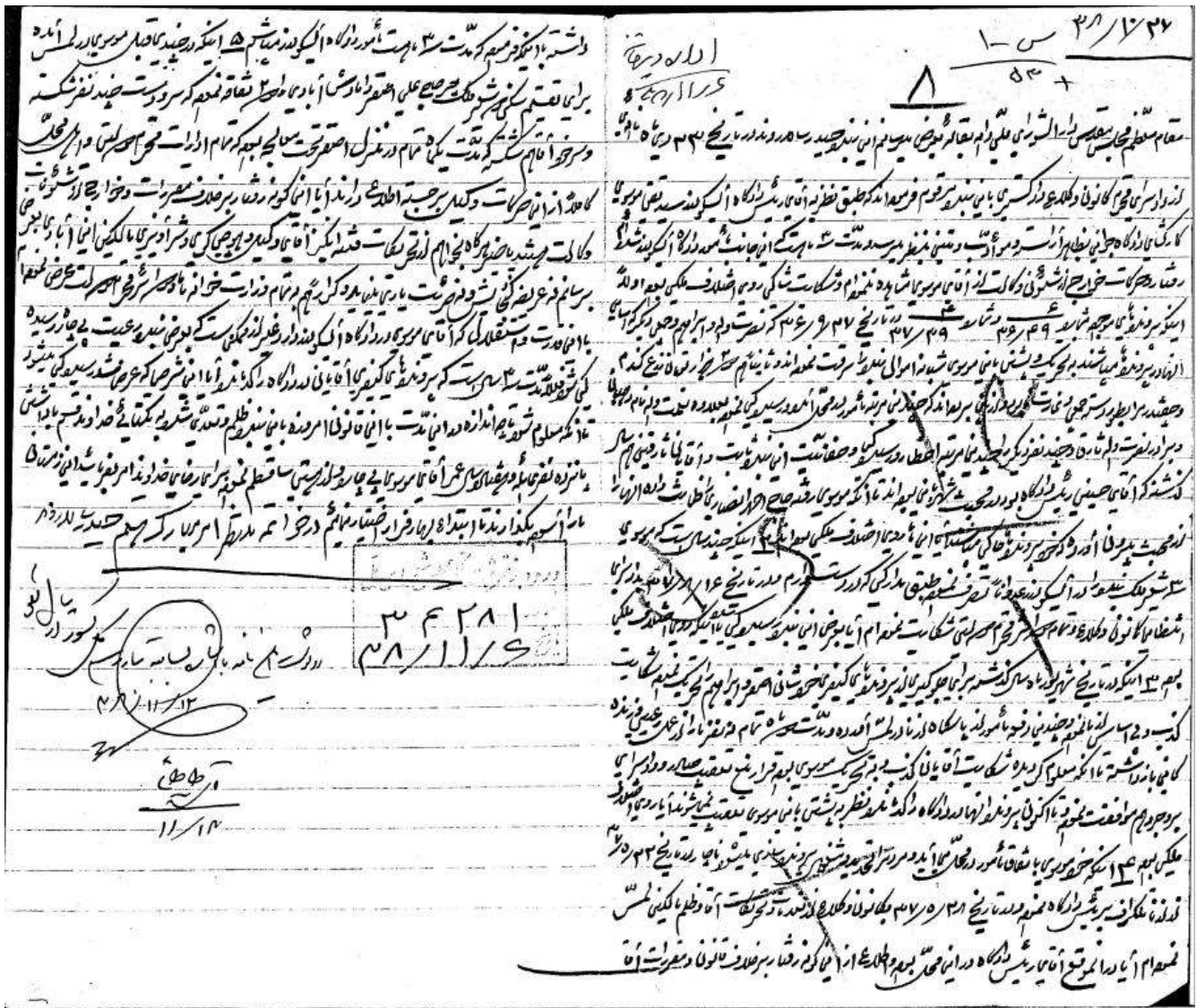
ضمائم

نمونه عرایض مردمی لرستان در مجلس ۱۹ شورای ملی

نمونه ۱



نمونه ۲



امیراحمدی، احمد (۱۳۸۰)، *خاطرات نخستین سپهبد ایران، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، جلد اول.*

امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۸۱)، *جامعه سیاسی، جامعه مذهبی و توسعه ملی، تهران: انتشارات نقش و نگار.*

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰)، *قوم لر، پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران، تهران: موسسه انتشارات آگاه.*

بسطامی، رضا و قاسم پور، داود (۱۳۸۵)، *زندگی سیاسی و مبارزات آیت‌الله سیداسلام‌الله مدنی، تهران: انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.*

تیموری، رمضان (۱۳۹۳)، *زندگی نامه و خاطراتی از شهیدان رحیمی فخر نور، قم: انتشارات آیین احمد.*

خدابخشی، جاجی رضا (۱۳۷۴)، *انقلاب اسلامی و لرستان، قم: دارالنشر اسلام.*

منابع

کتاب

آیت الله کمالوند به *روایت اسناد ساواک (۱۳۹۱)*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، *مردم در سیاست ایران، مترجم بهرنگ رجبی، تهران: نشر چشمه.*

آرام، محمد باقر (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.*

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰)، *قوم لر پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران، تهران: موسسه انتشارات آگاه.*

احمدی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *خاطرات آیت الله طاهری خرم‌آبادی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*

نشریات

نشریه لرنشاسی شقایق (۱۳۷۶)، خرم آباد: سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.

سایت‌ها

لرستان در آئینه تاریخ ویلاگ سعادت خودگو (ورود رادیو به لرستان)، سایت: <http://lorestandat.parsiblog.com>

مراکز آرشیوی

مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۹، کارتن از ۵۹، جزوه دان از ۱۳/۱، پوشه از ۱ تا ۵۰.

مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۹، کارتن از ۶۰، جزوه دان از ۱۳/۱، پوشه: از ۵۱ تا ۱۰۰.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی شماره بازیابی سند، ۲۸-۲۴۵.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۲۷-۲۴۵.

مصاحبه‌ها

مصاحبه با مجتبی مقدسی (۱۳۹۶/۶/۱۶).

مصاحبه با صالح سوری (۱۳۹۶/۶/۱۹).

دالوند، حمیدرضا. (۱۳۸۴)، *انقلاب اسلامی در لرستان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد دوم.

ساک، علی محمد (۱۳۴۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان* (با مقدمه منوچهر ستوده)، خرم آباد: کتابفروشی محمدی.

قاسمی، سیدفرید (۱۳۹۰)، *اسناد خرم آباد*. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

قاسمی، سید فرید (۱۳۸۷)، *پیشینه ارتباطات و تاریخ مطبوعات خرم‌آباد*، خرم‌آباد سیفا.

کمالوند، فریده (۱۳۸۰)، *یادهای ماندگار خاطرات من و همسر دکنر هوشنگ اعظمی بیرانوند*، تهران: نشر اشاره.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۵)، *گفتمان تاریخ نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. والی زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *نام‌آوران لرستان*، تهران: انتشارات حروفیه.

یاران امام به روایت اسناد ساواک شهیدان حجج الاسلام نورالدین و فخرالدین رحیمی کتاب ۲۳، (۱۳۸۱). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

یاران امام به روایت اسناد ساواک آیت الله اسدالله مدنی کتاب چهارم (۱۳۷۷)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.